

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۳۵- یکشنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۷، ۷ اکتبر ۲۰۱۸

مرکز همکاری احزاب
کوردستان ایران
نامه‌ای سرکشاده را
منتشر کرد

۳

حزب دمکرات:
مردم کوردستان ثابت کردند
که حامی احزاب سیاسی
هستند

۲

مرکز همکاری احزاب
کوردستان،
سوم شهریورماه را
روز فعال محیط زیست
اعلام کرد

۲



جایزه صلح نوبل ۲۰۱۸
به نادیا مراد و
دنيس موکویی رسید

۸



«حق آموزش
با پرسنل با صلاحیت»
شعار امسال روز جهانی معلم

۷



اکتوریسم و
بیگانگی جمهوری اسلامی

۵



اراده معطوف به مقابله با سرکوب
-بررسی خشونت ایران
علیه کوردستان-

۴

مانور ترسی در کوردستان



سفن

از مدیترانه
بسوی تهران

کریم پرویزی

رژیم جمهوری اسلامی، با آغاز قیام مردم سوریه از ترس سقوط هم پیمان خود، بشار اسد و به این بهانه که سوریه و لبنان و عراق، عمق استراتژیک رژیم‌اند هزاران نیروی نظامی و صدها میلیارد دلار از درآمد ایران را هزینه کرد تا از رژیم جنایتکار اسد حفاظت کند و حتی ادعا می‌کرد که سوریه از خوزستان نیز مهم‌تر است! بنابراین باید در سوریه بجنگند تا اینکه جنگ به مرزهای ایران سرایت نکند.

در عصر باستان، هخامنشی‌ها که مجموعه‌ای از اقوام و طوایف کوچنده و غارتگر بودند و طی هجومی داعش‌وار به تمدن ماد، این سرزمین را به خاک و خون کشیدند، پادشاهی به نام کمبوجیه داشتند که با سپاهش عازم سواحل مدیترانه شد تا با گذشتن از آن، یونان را نیز تسخیر کند و به اروپا برسد، اما امواج دریا سپاه او را در هم شکست و او نیز، که خود را خدا می‌دانست فرمان داد که دریا را شلاق بزنند! سپس در سوریه زخمی شد و در نهایت درماندگی، در عراق جان داد! تاریخ این منطقه چقدر عجیب و شگفت‌انگیز تکرار می‌شود.

جمهوری اسلامی نیز همچون بیشتر حاکمان بیابان فلات ایران، که دچار وهم قدرت

تحت عنوان اشتغال‌زایی برای جوانان بیکار، از بیکاری و فقر مردم سواستفاده کرده و از این طریق جوانان را در مراکز سرکوبگر سازماندهی کند و در شرایط لازم علیه ملت خود به کار گیرد.

این سیاست رژیم که به "کشتن کورد بدست کورد" معروف است هرچند تاریخ آن به روزهای آغازین روی کار آمدن رژیم اسلامی برمی‌گردد اما در واقع نشاندهنده اوج ضدمردمی بودن این رژیم است. علاوه براین حقیقت و برپایه آخرین اطلاعات، سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در چندین شهر کوردستان برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم جان به لب رسیده، اقدام به استخدام افراد چاقوکش و لات کرده تا مانند "شعبان بی‌منخ" های تاریخ، به نفع خود و علیه مدم، از آن‌ها بهره ببرند.

و نمایش و مانور زدند. در بطن این مانور که از سلاح‌های سنگین و نیمه سنگین استفاده شد، بار دیگر ذات پراز کینه و خصومت رژیم نسبت به ملت کورد آشکار شد و علاوه بر، بر هم زدن آرامش و امنیت مردم ده‌ها هکتار از مراتع و جنگل‌های کوردستان را به آتش کشیدند. در همین رابطه خبرگزاری کردپا با انتشار گزارشی اعلام کرد که تنها طی روز جمعه، ۱۳ مهر، هنگام برگزاری مانور سپاه در کوهستان شاهو، با توطیابان این رشته کوه بویژه در روستاهای "لون سادات" و "تیلکو"، ده‌ها هکتار از جنگل‌ها و مراتع این منطقه طعمه حریق شدند.

همزمان با این مانور، رژیم در پی افزایش تعداد نیروهای سرکوبگر خود در شهرها است و بر پایه آخرین اخبار رسیده، در شهرهای کوردستان و با سواستفاده از شرایط نامساعد اقتصادی مردم، قصد دارد

خود افتخار می‌کنیم که در واقع غیرمستقیم اشاره به تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی دارد که به تاریخ "طاغوت" معروف است.

همچنین علاوه بر حساس خواندن شرایط فعلی و افزایش روزافزون احتمال وقوع قیام و شورش مردمی علیه رژیم اسلامی، نتوانست ترس و هراس خود از آینده مبهم حکومت‌اش را پنهان کند و خطاب به بسیجی‌ها گفت: کشور از آن شماس‌ت و شما هم به عنوان نسل دهه شصت که به مقابله با دشمنان پرداختند، اختیار کامل دارید که از دستاوردهای انقلاب دفاع کنید. اما مساله قابل ملاحظه در این میان این است که رژیم از ترس اینکه بخشی از کارمند و پاسدارهای‌اش حاضر نبودند در این مانور مشارکت داشته باشند، با تهدید یا خواهش و تمنا و حتا تطمیع، مردم را به مانور مذکور کشانده‌اند و به این شیوه دست به جو سازی

و اعتراض مردم بویژه در میان ملیت‌های تحت ستم به هراس افتاده است و این مانور نظامی و نقل و انتقالات سلاح‌های سنگین نیز برای پنهان کردن این ترس و هراس و نیز بیم فراگیر نیروهای سرکوبگرش از آینده رژیم است.

بنابر عملکرد و سیاست‌های پیشین رژیم، چنین برداشت می‌شود که در چنین مانورهایی احتمال آن وجود دارد که به طور ناگهانی و آنی ضربه‌ای به مردم و مبارزین سیاسی بزنند و به گفته خودشان تهدیداتی که رژیم را هدف قرار داده‌اند کاهش دهند.

در تاریخ ۱۲ مهر و در چارچوب همین هراس و در سراسری، علی‌خامنه‌ای رهبر رژیم ایران که کمتر دیده شده در چنین مراسمی سخنرانی کند، در استادیوم آزادی تهران و در میان بسیجی‌ها، علاوه بر تمجید از جنایت‌های رژیم طی این چهار دهه به این امر اشاره کرد که ما به تاریخ و گذشته

طی هفته اخیر و بعد از شکست فاجعه‌انگیز موشکباران مقرهای حزب دمکرات و آشکار شدن امنیت پوشالی طی رژه نظامی سپاه در سالگرد جنگ ویرانگر هشت ساله ایران و عراق در اهواز، جمهوری اسلامی به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم که در ۲۱ شهریور، قاطعانه به این رژیم "نه" گفتند و همچنین برای تقویت روحیه نظامیان به هراس آمده‌اش مانوری سراسری با مرکزیت کوردستان، در ایران برگزار شد.

در این مانور نظامی که از سوی سپاه تروریستی پاسداران برگزار گردید، از تمامی وسایل پیشرفته نظامی که از روسیه و چین خریداری شده بود، بهره برده‌اند. سلاح‌های پیشرفته‌ای که به ازای فروش آب و خاک ایران به دست آمده است.

بنابر آخرین اخبارها در این رابطه رژیم علاوه بر تلاش برای افزایش تعداد نیروهای بسیج و مزدور خود، به شدت از قیام

ادامه در صفحه‌ی ۲

ادامه‌ی سخن

و سلطه شده‌اند و با این وهم تمدن منطقه را به نابودی کشانده‌اند، طمع رسیدن به مدیریتانه و گذشتن از آن و رفتن به اروپا را در سر می‌پروراندند. اما رسیدن به ساحل مدیریتانه نقطه‌ی پایان سفرشان بود و با موجی به پایتخت خود گسیل شده‌اند و حاکمیت‌شان پایان یافته است.

جمهوری اسلامی ادعا می‌کرد که باید در سوریه بجنگد تا جنگ وارد مرزهای‌اش نشود. در روزهای گذشته در لازقیه و ساحل مدیترانه، هواییمی اسرائیلی و فرانسوی به انبار سلاح و موشک‌های سپاه پاسدارن حمله کردند و ضربه‌ی سهمگینی را به رژیم وارد کردند. سپس کشورهای فرانسه، آلمان و نیز دبیرکل ناتو اعلام کردند که نیروهای سپاه پاسدارن و رژیم ایران باید از سوریه بیرون رانده شوند.

جنگی که جمهوری اسلامی می‌گفت در سوریه به آن مشغول و از خوزستان نیز مهم‌تر است، در اهواز گریبانش را گرفت و خامنه‌ای دستور داد که به سمت دریا موشک شلیک کنند! سپس از ترس، در تهران تلاش کردند صدها هزار بسیجی و مزدور را جمع کنند که نه تنها به ارعاب مردم بیردازند بلکه ترس خود از سقوط رژیم را نیز مخفی نمایند.

اکنون سران رژیم به وضوح اعتراف می‌کنند که، جنگ وارد خانه‌ی ویران شده‌ی رژیم شده، حال این جنگ، جنگ اقتصادی یا رسانه‌ای یا روانی یا هرچه که نام می‌نهند باشد، خود اعترافی است درون مرزهای ایران خزیده و اگر پیشتر مردم را از سوریهای شدن ایران می‌ترساندند حال اعتراف می‌کنند که ایران را به سرنوشت یمن دچار شده است.

این روند تاریخی و اصول اساسی سیاست و تقابل قدرت‌ها، در منطقه‌ای حساس همچون خاورمیانه با مردمانی از فرهنگ‌های مختلف و کثیرالملل، به نیروی خودکامه و آشوبگری همچون جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد که زیاده‌خواهی‌های خود ادامه دهد و هیچ حاکمیت جنایتکاری که فاقد پشتیبانی مردمی باشد و دچار فروپاشی شده باشد، نمی‌تواند برای مدتی طولانی، با نمایش نظامی و دخالت در منطقه، بر عمر خود بیافزاید و مسلما اشتباهات متعدد موجبات سقوطش را مهیا می‌کند.

شلاق زدن به دریا، رژیم ستمکار را از موج خواسته‌های مردم در امان نمی‌گذارد و تنها با سیلی خروشان، کاخ در هم شکسته‌ی حاکمیت تهران، فرو خواهد ریخت و به تاریخ سپرده می‌شود.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در رابطه با آخرین تغییرات کوردستان روز‌هلات و موضوعات مرتبط با آن جلسه‌ای تشکیل دادند و پیشنهاد کرد که روز سوم شهریورماه به عنوان روز فعال محیط زیست کوردستان نامگذاری شود.
نهمین جلسه‌ی مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران روز شنبه، هفتم مهرماه ۹۷، برابر با بیست و نهم سپتامبر ۲۰۱۸ میلادی، برگزار شد. این جلسه با یک دقیقه سکوت به نشان ادای احترام به شهیدان روز هفدهام شهریور ماه وهمچنین قرار دادن دسته گلی جهت ادای احترام به شهید سهیلا قادری، عضو مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، آغاز به کار کرد. سپس، صالح شریفی، عضو دفتر سیاسی

کومله‌ی کوردستان ایران و مسئول دوره‌ای مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در رابطه با فعالیت‌های این دوره، گزارشی را ارائه کرد و پس از آن دستور کار جلسه قرائت شد. در رابطه با فعالیت‌های این دوره‌ی مرکز همکاری، هر کدام از نمایندگان احزاب ضمن تشکر از تمامی طرف‌ها در این مرحله، در رابطه با نکات جلسه به تبادل نظر پرداختند. موضوع دیگر جلسه، ارزیابی عملکرد ضدبشری رژیم جمهوری اسلامی ایران به ویژه اعدام سه زندانی سیاسی کورد و همچنین حمله به مراکز و مقرهای رهبری حزب دمکرات کوردستان و آموزشگاه سیاسی و نظامی حزب دمکرات کوردستان ایران بود که متأسفانه در نتیجه‌ی آن جمعی از رهبری،

کادر و پیشمرگه‌های این دو حزب شهید و زخمی شدند. موضوع مهم دیگر این جلسه، موفقیت اعتصاب سراسری روز بیست و یکم شهریور ماه کوردستان بود که از سوی مرکز همکاری به عنوان روزی تاریخی و پر دستاورد از مبارزه‌ی جمعی و سیاسی یاد شد. این جنبش اجتماعی در سطح منطقه و رسانه‌های جهانی انعکاس قابل توجهی داشت و ثابت نمود که جنبش کورد در میدان حضور کامل دارد و آمادگی هرگونه مبارزه‌ی جمعی و حمایت از احزاب و همچنین فرزندان مبارزخود در زندان را، دارد. در بخش دیگری از جلسه، از بازداشت کسانی سخن گفته شد که از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران به دلیل مشارکت در مبارزات مدنی و جمعی در

روز بیست و یکم شهریور ماه روانه‌ی زندان‌ها شده‌اند و تحت بازجویی از سوی مسئولان مراکز امنیتی رژیم جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. مرکز از سازمان‌های حقوق بشری، سازمان ملل متحد و... خواست در رابطه با یاری رساندن و حفظ جان بازداشت شدگان اعتصاب روز بیست و یکم شهریور ماه سکوت نکنند و در رابطه با سرنوشت آن‌ها موضع عیان و مشخصی در پیش گیرند و همچنین از مردم مبارز کوردستان می‌خواهد حامی فرزندان‌شان باشند و از هر راهی که برای‌شان مقدور است در جهت آزادی زندانیان اعتصاب کوردستان، تلاش کنند. موضوع دیگر مورد بحث در جلسه، ادای احترام به شهیدان فعال محیط زیست میوان بود که در سوم شهریور

مرکز همکاری احزاب کوردستان،

سوم شهریورماه را روز فعال محیط زیست اعلام کرد

ماه سال ۹۷ در نتیجه‌ی آتش گرفتن جنگل‌های کوردستان در منطقه‌ی میوان، هنگام تلاش برای مهار آتش، جان همکاری احزاب کوردستان ایران به یاد این شهیدان پیشنهاد می‌کند که روز سوم شهریور ماه به عنوان روز فعال محیط زیست کوردستان مشخص شود و همچون روزی انقلابی و میهنی، گرامی داشته شود. نهمین جلسه‌ی مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران پس از چند ساعت کار مداوم با تصویب چند موضوع در رابطه با کار و وظایف آینده و نیز تداوم و فعال کردن هرچه بیشتر مرکز پایان یافت.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
۷ مهرماه ۱۳۹۷
۲۹ سپتامبر ۲۰۱۸

حزب دمکرات:

مردم کوردستان ثابت کردند که حامی احزاب سیاسی هستند

روش‌های مبارزه چند پیشنهاد را اعلام کرد که از طریق هیئت اجرایی به ارگان‌های مرتبط اعلام خواهد شد. بخش نهایی جلسه‌ی شورای سیاستگذاری ابراز تأسف دوباره در رابطه با به شهادت رسیدن کادر و پیشمرگه‌های حزب دمکرات بود که در موشکباران روز شنبه، هفدهم شهریور ماه به کاروان شهیدان پیوستند و همچنین مبارزانی که طی روزهای اخیر توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران اعدام شدند و در نهایت برای زخمی‌شدگان نیز آرزوی سلامتی عاجل کردند. جلسه‌ی شورای سیاست‌گذاری پس از بحث و گفتگو و اتخاذ تصمیم در رابطه با مسائل مورد بحث که در دستور کار جلسه آمده بودند، همان روز به کارهای خود پایان داد.

حزب دمکرات کوردستان ایران
شورای سیاستگذاری
۱ مهر ۱۳۹۷
۲۳ سپتامبر ۲۰۱۸

اعتراض علیه رژیم ایران در مقابل نمایندگی UN در شهر هولیر

زنان دمکرات کوردستان، هدف ازاین تظاهرات را انتقال این پیام دانست که رژیم ایران با موشکباران مراکز اداری و مقرهای حزب دمکرات موجب شهید شدن چندین زن و کودک شده است. در این تظاهرات،"شنه درودگر" عضو رهبری اتحادیه‌ی زنان دمکرات کوردستان ایران به این مساله اشاره کرد که ما در اینجا دورهم جمع شده‌ایم که به جامعه‌ی جهانی اعلام کنیم که رژیم ایران رژیمی تروریست است که پایبند به هیچ اصول و قانونی نیست و دست به هر نوع جنایتی خواهد زد و لازم است که جامعه‌ی جهانی در مقابل اعمال تروریستی رژیم ایران ساکت نماند.

و "شلیر محمودی" دبیر کل اتحادیه‌ی زنان دمکرات کوردستان به ترتیب پیام‌هایی انگلیسی و کوردی را خطاب به دولت آمریکا قرائت کردند. در ادامه "فاطمه عثمانی" دبیر کل اتحادیه‌ی زنان دمکرات کوردستان ایران به این مساله اشاره کرد که، هدف ما از این اجتماع اعتراضی این است که به جامعه جهانی اعلام کنیم که کمپ پناهنده‌های کورد ایرانی که در اقلیم کوردستان ساکن هستند، در معرض تهدید رژیم تروریست تهران قرار دارند و نباید جامعه جهانی در مقابل تهدیدات و حملات رژیم ایران علیه کمپ پناهنده‌های کورد ایرانی سکوت کند. "شلیر محمودی" دبیر کل اتحادیه‌ی



و خواستار رسیدگی بیشتر به خواسته‌های‌شان شدند. معترضان همچنین در مقابل کنسولگری ایالات متحده‌ی آمریکا در شهر هولیر، علیه جنایات و ترورهای رژیم ایران دست به اعتراض زدند. سپس، "توار قادری" فعال حقوق زنان به زبان انگلیسی

این پیام به جامعه‌ی جهانی بود. این تظاهرات اعتراضی همزمان با برگزاری هفتاد و سومین جلسه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در برگزار شد. دراین تظاهرات، معترضان خواسته‌های خود را با دو زبان کوردی و انگلیسی در مقابل دفتر سازمان ملل قرائت کردند

کوردستان

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران نامه‌ای سرگشاده را منتشر کرد

با نزدیک شدن به هفتاد و سومین جلسه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل ، مرکز همکاری احزاب کردستان ایران نامه‌ای سرگشاده را خطاب به رئیس مجمع عمومی سازمان ملل منتشر کرد.

متن نامه بدینگونه است:

نامه‌ای سرگشاده به رئیس مجمع عمومی سازمان ملل برای نقض حقوق بشر و خودکامگی رژیم ایران، مرزی مشخص کنید!

خانم ماریا فرناندز، رئیس هفتاد و سومین جلسه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل ضمن سلام و احترام،

به زودی هفتاد و سومین جلسه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل آغاز به کار خواهد کرد و طبق برنامه‌ای که مشخص شده قرار است، حسن روحانی، رئیس‌جمهور رژیم ایران، روز چهارشنبه، بیست و ششم سپتامبر در این جلسه به سخنرانی بپردازد.

ما به عنوان مرکز همکاری احزاب کردستان ایران لازم می‌دانیم که در اینجا مکانیزمی برای جلوگیری از خودکامگی‌های رژیم ایران و نقض آشکار حقوق بشر از سوی این حکومت در خارج از ایران در نظر گرفته شود.

انتظار می‌رود این جلسه، روحانی و حاکمیتش را در برابر نقض حقوق بشر در داخل و خودکامگی در خارج از کشور، مسئول بداند.

روحانی به عنوان رئیس‌جمهور رژیم ایران در حالی در این نشست سخن می‌گوید که این رژیم منشا بحران‌های گوناگون در داخل کشور و دلیل نقض حقوق بشر در تمام حوزه‌ها به ویژه در حوزه‌ی زندگی سیاسی و اقتصادی مردم و در همان حال نیز دلیل آشفتگی و ناامنی در منطقه است. اعدام به عنوان مجازاتی قانونی در ایران به طور مداوم اعمال میشود و اعدام سیاسی و تبعیض ملیتی نسبت به ملت‌های کورد، عرب، بلوچ و آذری و همچنین کشتار دگراندیشان به گونه‌ای سیستماتیک در این کشور بدتر از پیش به اجرا درمی‌آید. این نیز در حالی است که ایران کشوری چند ملیتی است و لازم است حقوق تمام ملیت‌ها به صورت برابر و عادلانه مورد توجه قرار گیرد.

از سال ۲۰۱۳ به بعد، پس از انتخاب روحانی به عنوان رئیس‌جمهور، موج اعدام‌ها ۵۱ درصد افزایش یافته است. همچنین فشار زیادی نیز به

فعالان اجتماعی و سیاسی و زیست محیطی در ایران و کردستان وارد می‌شود. در اصل این حکومت چه بر اساس قوانین و همچنین بر اساس طرح و برنامه‌ی خود، طبیعتی ضد حقوق بشری دارد. در اینجا توجه شما را به این موضوع جلب می‌کنیم که در سال ۲۰۱۷ براساس آمار، ۸۶ کولبر در مرزها با تیراندازی مستقیم نیروهای مسلح ایران جان خود را از دست داده‌اند. در ۶ ماه نخست سال ۲۰۱۸ نیز ۱۰۴ کولبر در مرزها بر اثر تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی جمهوری اسلامی جان باخته‌اند. تبعیض ملیتی و دینی سیستماتیک که این رژیم آن را اداره می‌کند، حتی مردم زلزله‌زده‌ی استان کرمانشان را نیز شامل شده و موجب شده مسئولان و نهادهای حکومتی، در مدت یک سال گذشته، نهایت بی توجهی و ارائه‌ی خدمات در قبال این مردم زلزله‌زده را از خود نشان دهند. در مدت ۵ سال ریاست جمهوری روحانی، مردم ایران با مشکلات عمیق اجتماعی و اقتصادی روبه رو شده‌اند. حاکمیت به این نتیجه رسیده که با اعمال فشار بر شهروندان

ایرانی ، فعالان حوزه‌ی حقوق بشر، حقوق‌دانان و وکیلان، معلمان، کارگران، فعالان زیست محیطی، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و تمام کسانی که شجاعت این را دارند، مشروعیت این حاکمیت را زیر سوال ببرند، مصمم باشد. فعالان حوزه‌ی زنان به تور مداوم تحت فشار و حمله‌ی این حاکمیت هستند و به روشی غیرقانونی دستگیر و زندانی می‌شوند و در واقع تفاوت و تبعیض بی حد و حصر طبق حقوق اسلامی در ایران وجود دارد.

دولت‌های متوالی در رژیم جمهوری اسلامی و یکی از آن‌ها دولت روحانی نقش برجسته‌ای را در نقض حقوق بشر و سرکوب مردم ایفا کرده‌اند و به شدت تمام با هر گونه جنبش و اعتراض آرامی نیز به مقابله می‌پردازند.

روز دوازدهم سپتامبر ۲۰۱۸ اعتصابی سراسری و گسترده شمار زیادی از شهرهای کوردنشین کردستان ایران را فرا گرفت. این اعتصاب سراسری، اعتراضی جمعی بود به اعدام سه جوان کورد و همچنین موشکباران مراکز و مقرهای حزب دمکرات در شهر کویسنجی از اقلیم

کردستان که بر اثر آن ۱۶ نفر جان خود را از دست دادند و ۴۰ نفر دیگر نیز به شدت زخمی شدند. پس از اعتصاب عمومی، ۱۲ نفر از فعالان مدنی و فرهنگی در شهرهای کردستان بازداشت شده‌اند و تاکنون در زندان‌های رژیم به سر می‌برند و از وضعیت آن‌ها هیچ اطلاعی در دست نیست. این نیز ادامه‌ی فعالیت تروریستی و جنایت سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات این رژیم در اقلیم کردستان عراق و خارج از کشور علیه نیروهای اپوزسیون کورد و ایران است.

منظور از نوشتن این نامه یادآوری این موضوع به شما و تمام اعضای مجمع عمومی سازمان ملل است که رژیم جمهوری اسلامی ایران و دولت حسن روحانی ناقض اصلی حقوق بشر در ایران و دلیل اصلی ناامنی و آشفتگی در منطقه هستند. حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور ایران در حالی می‌خواهد از حقوق بشر و نقض آن در کشورهای دیگر سخن بگوید که حاکمیت خودش بزرگترین ناقض حقوق بشر است و مردم ایران و کردستان در زندان بزرگی هستند که از سوی این

اطلاعیه‌ی جریان‌های سیاسی ایرانی در رابطه با حمله‌ی اهواز

۱۰ جریان سیاسی در رابطه با حمله به نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در اهواز و بازداشت‌های متعاقب آن اطلاعیه‌ای را منتشر کردند.

متن اطلاعیه بدینگونه است:

صبح روز شنبه سی و یکم شهریور ماه، مراسم رژه‌ی نظامی رژیم جمهوری اسلامی به مناسبت سی و هشتمین سالروز آغاز جنگ ایران و عراق در اهواز، هدف یک حمله‌ی مسلحانه‌ی مرگبار قرار گرفت که طی آن حداقل ۲۸ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند. علاوه بر نظامیان، برخی از کشته و مجروح شدگان از میان مردم عادی و غیرنظامی که برای تماشای رژه آمده بودند، می باشند.

با دنبال کردن این حادثه و جوانب گوناگون آن طی چهار روز گذشته، علیرغم ادعای یک فرد که وابستگی گروهی و یا سازمانی وی تکذیب شده است و پذیرش مسئولیت از جانب گروه تروریستی داعش، هنوز هویت و وابستگی عاملان آن، در هاله ای از ابهام قرار دارد.

گزارش‌های رسمی رژیم



درباره مهاجمین، ضد و نقیض و غیر مستند می‌باشند. سخنگوی سپاه پاسداران ایران از "گروه‌های اهوازی" تا آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای عربی را در مظان اتهام قرار داده است.

همزمانی این واقعه با آغاز کار هفتاد و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تنها دو هفته پس از عملیات موشکباران اخیر پایگاه‌های حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران در خاک عراق و اعدام زندانیان سیاسی کرد و همچنین همزمان، اعدام انتقامجویانه

سه تن از زندانیان سیاسی بلوچ پس از یک درگیری در مرز پاکستان و دیگر تروورهای دولتی، به این شک و شبهه دامن می‌زند که رژیم جمهوری اسلامی در آستانه‌ی سفر روحانی به سازمان ملل، به دنبال لاپوشانی این جنایات و تجاوز اخیر و کسب همدردی جهانیان، با ایفای نقش قربانی تروریسم برای خود، می‌باشد. این رژیم هیچ راه‌حلی برای برون رفت از بحران اقتصادی – اجتماعی و سیاسی فعلی ندارد. در خوزستان همچون سراسر ایران، پاسخ رژیم به مشکلات مردم و مطالباتشان،

سه تن از زندانیان سیاسی جز سرکوب و زندان و کشتار چیزی نبوده است. در شرایطی که مبارزات آزادیخواهانه و رهایی‌بخش مردم روز به روز گسترش می‌یابد و جمهوری اسلامی بیش از پیش در گرداب بحران‌هایی که خود بو وجود آورده فرو می‌رود، اینگونه عملیات در این منطقه‌ی حساس، حاصلی جز تشدید سرکوب و گسترش اختناق و شدت‌بخشیدن به فضای تشنج‌آمیز، همراه با خشونت در سراسر کشور نخواهد داشت و هیچ کمکی به مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم و زحمتکشان

ایران نکرده و نخواهد کرد. با مستمسک قراردادن این عملیات مسلحانه، رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد با تحمیل فضای امنیتی، تظاهرات و فعالیت‌های مسالمت‌آمیز علیه سیاست‌های حکومتی، که هر روز پردامنه‌تر می‌شوند را سرکوب کند، به اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی، سرعت ببخشد و موج گسترده‌تری از بازداشت در صفوف فعالان مدنی و سیاسی و کارگری و دانشجویی را دامن زند. بازداشت‌های گسترده‌ی شبانه‌روز اخیر موید این امر است. ما از هم اکنون نگرانی خود را نسبت به این بازداشت‌ها، اعمال شکنجه و گرفتن اعترافات اجباری اعلام می‌کنیم.

ما بنا به اعتقاد همیشگی خود، همواره هرگونه خشونت و ترور را محکوم کرده و می‌کنیم. جا دارد یادآوری کنیم که رژیم ایران طی چهار دهه از حاکمیت خود، همواره از تروریسم علیه همه‌ی آحاد جامعه‌ی ما در داخل و خارج برای حفظ بقای ننگین خود استفاده نموده و بنابراین مسئول اصلی فضای خشونت

و تشنج در جامعه می‌باشد. ما همواره، همگام با جنبش مسالمت‌آمیز مردمی بوده و به همه‌ی هموطنان اطمینان می‌دهیم که همچون گذشته به مبارزه مسالمت آمیز خود با عزمی راسخ‌تر برای تحقق رهایی از جنگ رژیم جمهوری اسلامی ادامه دهیم. در عین حال، ما مقاومت مردمی در مقابل سرکوب را یک حق طبیعی می‌دانیم و از آن پشتیبانی می‌کنیم. اتحاد دمکراتیک آذربایجان – بیرلیک

جنبش جمهوری‌خواهان دمکرات و لائیک ایران – شورای هماهنگی حزب دمکرات کردستان ایران حزب دمکرات کردستان حزب تضامن دمکراتیک اهواز حزب کومله‌ی کردستان ایران حزب مردم بلوچستان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران شورای سوسیالیست‌های چپ ایران کومله‌ی زحمتکشان کردستان چهارم مهرماه ۱۳۹۷ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۸

اطلاعیه فرماندهی نیروی پیشمرگه‌ی کردستان

فرماندهی نیروی پیشمرگه کردستان در رابطه با تازه‌ترین حمله رژیم اشغالگر اسلامی ایران به مقرات حزب دمکرات اطلاعیه‌ای را منتشر کرد.

متن این اطلاعیه بدین شرح است:

در ادامه اقدامات ضدانسانی رژیم ایران و پس از موشک باران مقرات حزب دمکرات در روز هفدهم شهریورماه، امروز هشتم مهرماه ساعت ۱۲ ظهر، رژیم ایران از طریق پهپاد کوهستان کودو را بمباران و در این بمباران خسارت چشمگیری به محیط زیست منطقه وارد شده و متأسفانه یک پیشمرگه به‌صورت سطحی زخمی شده است.

فرماندهی نیروی پیشمرگه کردستان

هشتم مهرماه ۱۳۹۷

اراده معطوف به مقابله با سرکوب

—بررسی خشونت ایران علیه کوردستان—



ایران قالب کند.

هویت فارسی-شیعی از آنجا که در ایران در ۱۰۰ سال گذشته به صورت کاملاً تمامیت‌خواه در مسند قدرت بوده است، توانسته رژیم خاصی از هنجارها را بر اساس منافع هویت فارس-تشیع در جامعه ایران تعریف کند

و این رژیم هنجاری را، در بطن جامعه ایران مشروع است، گاهی به عنوان یک استعاره نیز در گفتگوها روزانه بکار گرفته می‌شود اما در این نوشته، خشونت عبارت از نیتی است که قصد تغییر اجباری در رفتار گروهی و یا آسیب رساندن به گروهی را داشته باشد.

آنچه در ایران "مساله کورد" خوانده می‌شود، در واقع تقابل خشونت اعمال شده از طرف حاکمان ایران و مبارزه کوردستان علیه این خشونت است، که یک طرف آن را با اسماء مختلف از جمله "مساله کورد" و طرف مقابل آن را مبارزات ملی-دمکراتیک می‌خواند. برای تبیین بیشتر این تقابل باید ابتدا زمینه خشونت علیه کوردستان در ایران را بررسی کنیم.

در ایران، سنگ بنای خشونت ذهنی علیه کوردستان را هویت ایرانی شکل داده است. هویت ایرانی به مثابه یک هویت سیاسی تمامیت‌خواه و تقابل این هویت با دیگر هویت‌های موجود در جغرافیای ایران، مسبب شکل‌گیری رژیمی از "خشونت‌های هنجار شده" علیه مردمان این جغرافیا شده است.

هویت ایرانی که خود را گاهی تحت عنوان ناسیونالیسم ایرانی نیز تعریف می‌کند، در تلاش است بر پایه هویت معیار فارس-تشیع تمامی هویت‌های موجود در جغرافیای ایران را در خود استحاله کند، به امید اینکه بتواند تمامیت قدرت سیاسی-اقتصادی موجود در جغرافیای ایران کنونی را، در دست دارندگان هویت معیار حفظ و تثبیت کند.

هویت ایرانی تولید شده در راس قدرت، در واقع همان هویت فارسی-شیعی است که در ۱۵۰ سال گذشته قوام پیدا کرده و همزمان تلاش نموده است، منافع خود را به عنوان هنجارهای عمومی به جامعه

ملی ایران" را تشکیل می‌دهد.

حکومت در ایران استراتژی خود را بر اساس تحقق "ملت ایران" که پایه‌های آن بر هویت فارس-تشیع قرار دارد، تعریف می‌کند. همزمان حاکمان ایران در ۱۰۰ سال گذشته برای رسیدن به این مطلوب خود بر تمرکز قدرت در دست مرکز بیشینه فارس و سلب قدرت از حاشیه بیشینه غیره فارس، تاکید دارند.

در این بین آنچه حاکمیت ملی در ایران خوانده می‌شود، به بخشی از خشونت علیه کوردستان تبدیل شده است. لازم به یادآوری نیست که بخشی از سلب حق‌ها از کوردستان که در چارچوب خشونت عیله کوردستان قرار دارد، در قانون اساسی

هویت ایرانی تولید شده در راس قدرت، در واقع همان هویت فارسی-شیعی است که در ۱۵۰ سال گذشته قوام پیدا کرده و همزمان تلاش نموده است، منافع خود را به عنوان هنجارهای عمومی به جامعه ایران قالب کند.

جمهوری اسلامی و نیز قانون اساسی مشروطه کاملاً شفاف مطرح شده است. جدا از این، قانون موضوعه و "خشونت مشروع در دست حکومت" یا "خشونت قانونی" به عنوان ابزارهای در دست ملت فارس علیه دیگر ملت‌ها جغرافیای ایران علی‌الخصوص کوردستان استفاده می‌شود.

زبان فارسی و تشکل‌های دینی سومین کلان هنجاری که پایه‌های اصلی خشونت علیه کوردستان را تشکیل می‌دهد،

دمکراتیزاسیون یک گفتمان درون ملتی در بین ملت کورد است و مراد از دمکراتیزاسیون، دمکراتیزاسیون جامعه‌ی کوردستان است و گفتگوی میان جامعه‌ی کوردستان و حاکمیت ایران، فقط بر سر "حق تعیین سرنوشت" است.

نهادهای دینی وابسته به پیروان دین تشیع است. زبان فارسی به عنوان یکی از پایه‌های اصلی هویت ایرانی در سپهر عمومی به عنوان زبان ملی و زبانی که ذاتاً پرقدرت است به جامعه القاء می‌شود، هدف از القاء این موضوع زمینه سازی برای سلب حق از دیگر زبان‌ها در ایران است.

همچنان که در خردادماه سال ۹۷ مشاهده کردید، محمدرضا شفیع کدکنی به عنوان یک استاد ادبیات فارسی "ذات" زبان فارسی را دلیلی برای سلب حق از دیگر زبان‌ها در شبه قاره و آسیای مرکزی

می‌داند و پا را تا جای جلو می‌کشد که آموزش زبان بومی در این منطقه را یک توطئه انگلیسی قلمداد می‌کند.

در همین رابطه است، که در ماده ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی شناخته شده است و در سپهر فرهنگی نیز بر اساس تفکیک سازی زبان ملی - محلی، خشونت را چنان وسیع کرده‌اند که ابائی از آن ندارند آموزش زبان بومی را به عنوان تهدیدی "علیه امنیت ملی"، مطرح کنند.

در مورد تشکل‌های دینی اهل تشیع نیز باید اظهار کرد که با توجه به اینکه هویت معیار که برای "ملت ایران" تعریف شده است، یکی از پایه‌های آن تشیع است، تشکل‌های دینی موجود در جامعه ایران علی‌الخصوص "مرجعیت تشیع"، بخشی از پایه‌های خشونت علیه مردمان دارنده هویت غیرمعیار هستند.

در مساله مرجع تقلید و تشکل‌های دینی و استفاده ابزاری از آن‌ها توسط ملت فارس کافی است به فتوای خمینی علیه کوردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ اشاره کرد. در همین زمینه باید اشاره کرد که سران جمهوری اسلامی در توجیه ترورهای حکومتی که طی آن بخشی از رهبران اپوزیسیون کوردستان جانشان

هویت ایرانی تولید شده در راس قدرت، در واقع همان هویت فارسی-شیعی است که در ۱۵۰ سال گذشته قوام پیدا کرده و همزمان تلاش نموده است، منافع خود را به عنوان هنجارهای عمومی به جامعه ایران قالب کند.

جمهوری اسلامی و نیز قانون اساسی مشروطه کاملاً شفاف مطرح شده است. جدا از این، قانون موضوعه و "خشونت مشروع در دست حکومت" یا "خشونت قانونی" به عنوان ابزارهای که در فوق به

آن‌ها اشاره‌ای گذرا شد، بخشی از "رژیم هنجاری" موجود در سپهر سیاسی ایران را تشکیل می‌دهند که زمینه و گسترش ابعاد خشونت علیه دارندگان هویت غیرمعیار در جامعه ایران را فراهم می‌کنند. براساس این رژیم هنجارها می‌توان خشونت

دمکراتیزاسیون یک گفتمان درون ملتی در بین ملت کورد است و مراد از دمکراتیزاسیون، دمکراتیزاسیون جامعه‌ی کوردستان و حاکمیت ایران، فقط بر سر "حق تعیین سرنوشت" است.

علیه کوردستان را در هشت بخش اساسی تقسیم بندی کرد:

(۱) خشونت سیستمی عبارت از ساختار حکومتی و نهادهای آن که نظام حاکمیت ملی ایران را تشکیل داده‌اند. از آنجا که سیاستگذاری این ساختار تماماً در راستای استراتژی تحقق ملت-دولت ایران است پس خود ساختار حاکمیت ملی، بزرگ‌ترین و پرقدرت‌ترین و نهان‌ترین مجموعه در شکل‌گیری خشونت علیه جامعه کوردستان است. خشونت اعمالی از طرف این ساختار بسیار پنهان است،

چون رفتار آن در پس پرده مشروعیت حاکمیت و امنیت ملی نهان شده است. خشونت سیستمی را می‌توان خشونت قانونی نیز قلمداد کرد و دامنه آن از بندهای قانون اساسی جمهوری اسلامی شروع می‌شود تا "اعمال حاکمیت" و "دفاع از امنیت ملی" ادامه پیدا می‌کند.

(۲) خشونت عریان نمایان‌ترین نوع خشونت علیه جامعه کوردستان از طرف حاکمان، بکارگیری قدرت فیزیکی برای تغییر در رفتار جامعه کوردستان و اعمال سلطه برآن است. این نوع خشونت را خشونت عریان نامیده‌ام چون ساختار آن برای مردم محسوس و نتایج آن از عینیت بیشتری برخوردار است در ضمن نتایج این نوع خشونت از لحاظ زمانی، زودتر تحقق می‌یابد.

در ۱۰۰ سال گذشته بارها حاکمان تهران به کوردستان لشکرکشی کرده‌اند تا از این طریق سلطه و سیاست‌های خود بر جامعه کوردستان اجرائی کنند. این نیروی نظامی از تمامی امکانات حکومتی برای اعمال سلطه خود استفاده می‌کند و در سطح افکاری عمومی و سپهر سیاسی بکارگیری خشونت عریان علیه جامعه کوردستان

هویت ایرانی تولید شده در راس قدرت، در واقع همان هویت فارسی-شیعی است که در ۱۵۰ سال گذشته قوام پیدا کرده و همزمان تلاش نموده است، منافع خود را به عنوان هنجارهای عمومی به جامعه ایران قالب کند.

با عناوین همچون "دفاع از تمامیت ارضی"، "کسب امنیت" و "اعمال حاکمیت" لاپوشانی می‌شود. این نوع خشونت مشروعیت و قدرت خود را از خشونت سیستمی کسب می‌کند اما چون فرم آن پنهان نیست در چارچوب خشونت سیستمی صرف قرار نمی‌گیرد. خشونت عریان البته شامل جنگ پنهان امنیتی اعم از آماده‌کاری برای ترور و نیز تهدیدات سایبری نیز می‌باشد، چون نتایج این نوع پنهان‌کاری عیان و زودحاصل است.

دمکراتیزاسیون یک گفتمان درون ملتی در بین ملت کورد است و مراد از دمکراتیزاسیون، دمکراتیزاسیون جامعه‌ی کوردستان و حاکمیت ایران، فقط بر سر "حق تعیین سرنوشت" است.

(۳) خشونت قضائی نظام قضائی و ساختار دادگاه در ایران به بخشی از خشونت علیه کوردستان تبدیل شده است. این مقوله جدا از مساله فساد ساختاری موجود در بطن نظام قضائی ایران است. خشونت قضائی موجود در نظام قضائی ایران، که علیه جامعه کوردستان اعمال می‌شود بخشی از اهداف نظامند آن نظام است. پس آن را نمی‌توان در بخش فساد ساختاری گنجانند. در واقع نظام دادگاهی و ساختار قوه قضائیه کاملاً در اختیار حاکمان ایدئولوژیک

کوردستان

قرار دارد و در راستای تحقق "ملت ایران" عمل می‌کند. این فرم از خشونت نیز مشروع‌تر خود را از خشونت سیستمی کسب می‌کند، اما با توجه به عربانی آن و نیز تفاوت در نوع اعمال آن خود یک فرم مجزا از خشونت سیستمی است که در بالا شرح آن رفت.

"قاضی محمد" و یارانش توسط یک دادگاه به اعدام محکوم شدند و بعدها هم همین دادگاه‌ها بودند که در دوره پهلوی دوم صدها فعال سیاسی کورد را به زندان فرستاد و در دوره جمهوری اسلامی نیز از صادق خلخالی، حاکم شرع تا دادگاه‌های انقلاب کنونی همگی از مشروعیت سیستم قضائی برخوردارند و از این راه دست به اعدام و محکومیت زندان علیه فعالین کورد می‌زنند.

(۴) خشونت اقتصادی نظام اقتصادی و توسعه ایران براساس نگاه امنیتی به حاشیه و تمرکز اقتصاد صنعتی و توسعه در مرکز طراحی شده است. در این نظام برپایه "دفاع از تمامیت ارضی" کوردستان را به عنوان حاشیه ایران در یک فقر سیستماتیک نگه می‌دارد. برای اثبات این نوع خشونت کافی است تنها به آمار کشتار سالانه کولبران کورد و همچنین آمارهای رسمی فقر، بیکاری، میزان درآمد یک خانواده شهری و روستای در کوردستان که توسط سازمان آمار ایران و بانک مرکزی ایران منتشر می‌شود، مراجعه کرد. خشونت اقتصادی در بطن سیاستگذاری اقتصادی حاکمان نهفته است.

(۵) خشونت فرهنگی-علمی

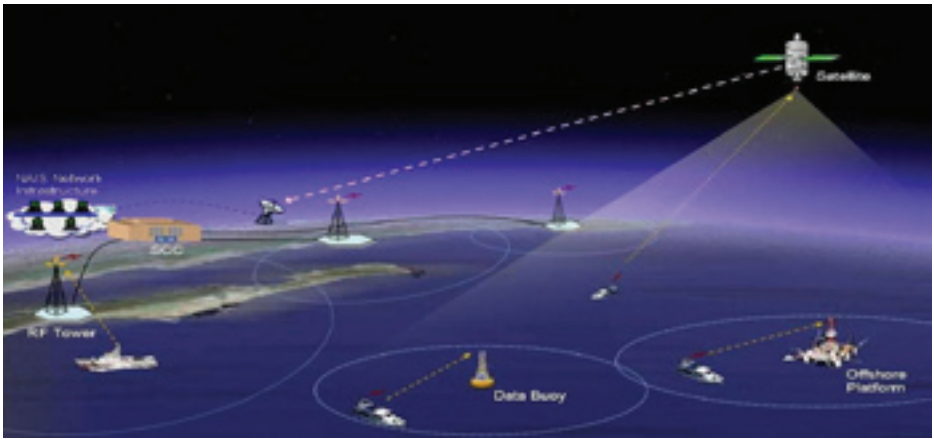
ساختار این خشونت براساس فرهنگ ملی/فرهنگ محلی طراحی شده است در این ساختار فرهنگ ملی همان فرهنگ فارسی است که حق استفاده از تمامی امکانات حکومت و سرمایه حکومت را دارد و فرهنگ محلی همان فرهنگ غیرفارس است که دستگاه رسمی تلاش می‌کنند آن را در سطح افکار عمومی به عنوان یک فرهنگ پست و کم ارزش قلمداد کنند و در سطح حق خواهی به عنوان یک تهدید علیه امنیت ملی پنداشته شود. در مورد خشونت

علمی نیز باید به نظام آموزش رسمی اشاره کرد، نظام آموزش رسمی یک نظام توتالیتر است که راهبرد آن قوام دهی و تحقق "ملت ایران" است. بر همین اساس هر آنچه به عنوان چالش در راه تحقق ملت ایران تلقی شود، توسط این نظام یا به حاشیه رانده می‌شود و یا غیرعلمی و احمقانه خوانده می‌شود. نقطه برابر آن نیز واقعیت دارد و آنچه زمینه تحقق "ملت ایران" را فراهم

ادامه در صفحه‌ی ۵

گزارشی از نحوه دور زدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران

موسسه‌ی دفاع از دموکراسی



ترجمه از انگلیسی: آرمان حسینی

کنوانسیون بین المللی ایمنی زندگی در دریا (*SOLAS*) مستلزم به کنترل مستمر سیستم شناسایی خودکار (*AIS*) در تمام کشتی‌هایی است که سفرهای بین‌المللی را انجام می‌دهند و حجمی بیش از ۳۰۰ تن ناخالص دارند. هر دو حکومت ایران و ایالات متحده همراه با ۱۶۲ کشور دیگر عضو این کنوانسیون بین‌المللی هستند، اما تانکرهای نفت کش ایران برای چندین روز با خاموش کردن فرستنده های *AIS* موقعیت خود را پنهان کرده‌اند. احتمالاً اینکار برای فرار از تحریمهای ایالات متحده بر صادرات نفت ایران است که از تاریخ ۱۳ آبان شروع خواهد شد.

تهران قبلاً به‌کارپنهان‌هایفخت کش‌های خود اعلام کرده بود تا فرستنده‌های خود را خاموش کنند تا از عملی شدن تحریم‌های نفتی ایالات متحده و اروپا که قبل از به نتیجه رسیدن توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران‌اعمال شده بود، جلوگیری کنند.

به هر حال، خطرات قابل توجهی در ارتباط با پنهان کردن موقعیت کشتی‌نفت کش در برابر کشتی های دیگر وجود دارد. در ماه ژانویه امسال، سانچوی تانکر ایران پس از برخورد با یک کشتی حمل و نقل، در دریای چین شرقی‌غرقشد و تمام ۳۲ تن از خدمه تانکر کشته شدند. تانکر غرق شده، طی ۹ ساعت قبل از برخوردهیچگونه سیگنالیاز سیستم شناسایی خودکارخود،ارسال نکرده بود که در واقع باید گفت عامل اصلی این برخورد و کشته شدن تمام پرسنل‌های این کشتی، عدم ارسال سیگنال شناسایی بوده است.

بنابر گزارش منتشر شده‌ای از بلومبرگ، ده تانکرایرانی اخیرا برای چندین روزبا خاموش کردن فرستنده‌ها، موقعیت خود را پنهان کرده‌اند. گروه تجزیه و تحلیل تانکرها با ردیابی و بهره بردن از تصاویر ماهواره‌ای نشان دادند که، دو تا از ده تانکر پنهان شده‌ی ایرانی، در اواخر هفته قبل، درموقعیت قبلی خود در نزدیکی ترمینال اصلی صادرات نفت ایران در جزیره خارگ در خلیج فارس، لنگر انداخته بودند. با این حال، تصاویر نشان می دهد که تانکر سوم آنجا را ترک کرده است. فدراسیون دفاع از دموکراسی -*FDD*- با بهره بردن از داده‌های ترافیک دریایی، مشخص کرد که سه تا از این ده تانکر - *Happiness I*، *Big*، و *Sea Cliff* - روز چهارشنبه پس از عبور از خلیج فارس به دریای عرب، پخش سیگنال‌های *AIS* را از سر گرفتند.

ردیاب تانکرها قبلاً تأیید کرده است که چگونه شش تانکر خارجی که حمل نفت ایران را انجام می دادند، هنگام ورود به بنادر سوریه به طور مرتب، فرستنده های *AIS* خود را خاموش می‌کنند. این گروه سپس تصاویر ماهواره‌ای را برآینت کردن این تانکرها به کار برد. این تحویلها قطعاً دستورالعمل اجرایی ۱۳۵۸۲-۲۰۱۱- را نقض می‌کنند که "هرگونه حمایت مالی، مادی و فنی" را به دولت سوریه منع می‌کند. طبق این نظم، وزارت خزانه‌داربآمریکا تحریم‌ها را علیه شرکت‌های ملی نفتی سوریه و همچنین اداره بنادر و بنادر آن اعمال کرد.

در اوایل ماه جاری، وزارت خزانه داربآمریکا یک سری از شرکت‌هاو افراد مرتبطبا واردات سوخت به دمشق را، تحت تحریم قرار داد. با وجود اقدام اتحادیه اروپا، ایران در ماه اوت به سوریه ۳۰هزار تا ۶۰هزار بشکه نفت در روز، به ارزش ۷۵ تا ۱۵۰میلیون دلار، طبق ردیاب تانکرهای نفت کش، ارسال می‌کند. دولت ایالات متحده باید تحریم‌ها علیه صادرات نفت ایرانرا در آینده‌ای نزدیک از سر گیرد تا بتواند تهران را به دلیل نقض خطرناک و غیرقانونی استانداردهای ایمنی دریاییکنترل کند. شرکت‌های حمل و نقل نفت خام ایران باید تحت تحریم‌ها اعمال شده قرار گیرند. بنگاه‌هایی که بیمه خصوصی را تأمین می کنند، شرکت خواهند کرد.

برای جلوگیری از این مهم ندارند بلکه حتی سازمانی در کوردستان نیست که دارنده امکانات بروز اطفاء حریق جنگل باشد.

۸) خشونت اجتماعی

این نوع خشونت در واقع تابع و بازده خشونت‌های دیگر است، بدین معنی که یکی از بازده‌های خشونت‌های فوق، ایجاد ناهنجاری و یا گسترش ناهنجاری اجتماعی است که در قالب خشونت اجتماعی خود را نمایان می‌کند. نرخ خودکشی در ایلام به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۳.۸ نفر است ، این آمار دو برابر نرخ متوسط ایران و بالاترین سطح در جهان است، اما این تمامی ماجرا نیست، ایلام از استان‌های بیکار ایران و جزء کم درآمدترین استان‌های ایران نیز هست. توسعه مرکز محور

اکوتوریسم و بیگانگی جمهوری اسلامی



خالد درویره

می‌شود، خلاف پرداختن به چنین مفاهیمی و در واقعیت بیگانگی با آن‌هاست. عیسی کلانتری رئیس سازمان محیط زیست، در نشست مشترک با دبیر کل سازمان جهانی "ایزو"، بر این نکته تأکید کرد که اگر بخواهیم در ایران تمام استانداردها را مطابق با استانداردهای بین‌المللی رعایت کنیم باید همه صنایع تعطیل شود. وی در ادامه تصویب استانداردهای ایران مطابق با فناوری پیشرفته جهان را مستلزم بهره‌مندی از تکنولوژی روز دانست، چنین اظهار نظری خود دال بر این واقعیت می‌باشد که آنچه را باید صرف بهره‌مندی از تکنولوژی روز شود صرف آبادانی ایران را به همراه ندارد بلکه خود زمینه ویرانی چنین سرزمینی را میسر می‌کند. طی روزهای اخیر، انتشار ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی در خصوص مرگ و میر آبریان رودخانه "زرنه‌رود" در کوردستان در اثر آلوده کردن آب آن از طریق ریختن زباله و فاضلاب کارخانه‌های تولیدی، آتش زدن مکرر و همه روزه جنگل‌ها و مراتع کوردستان به بهانه‌های واهی از طرف جمهوری اسلامی همه و همه میزان بیگانگی بودن چنین نظامی را با طبیعت و صنعت اکوتوریسم نشان می دهد.

بستری را حکومت‌های مردمی و پاسخگو با اجرای برنامه‌های مدون توسعه و مدیریت گردشگری که خود مستلزم انجام تسهیلات در زمینه پذیرش و ارائه خدمات به گردشگران، عادی سازی روابط با دیگر کشورها، انجام اصلاحات باز سیاسی و اقتصادی، خصوصی سازی و اعتقاد به عدم اتکا به اقتصاد تک محصولی جهت برون رفت از مشکلات، بر عهده می‌گیرند. اگر چه شرایط تاریخی و آب و هوایی چهار فصل ایران و نیز ویژگی‌های اقلیمی، جغرافیایی و توپوگرافی، شرایط کم نظیر اکولوژی، پوشش مرتعی و جنگلی، مناطق سرسبز، حیات وحش، شکارگاه‌های متعدد کوردستان به ویژه از جاذبه‌های قوی توریستی و گردشگری منطقه محسوب می‌شوند. اگر چه می‌بایست جهت برون رفت از اقتصادی تک محصولی متکی به نفت که هر از چند گاهی بدلیل سیاست‌های نادرست و مداخله‌جویانه سیاست‌گذاران رژیم همراه با سایر مولفه‌های ناکارآمد اقتصادی و ضعف مدیریتی، وضعیت اقتصادی و معیشت مردم بسیار را وخیم‌تر و دشوارتر از گذشته می‌کرد، پرداختن به صنایع دیگر من جمله "اکوتوریسم" در سر لوحه برنامه‌ریزی دولت قرار می‌گرفت. با این همه تعاریف و اوصاف آنچه از رفتار سران رژیم دیده

قبل از پرداختن به موضوع، ارزش‌های والای انسانی، احساس طبیعت دوستی و میهن دوستی اقتضا می‌کند، موضع مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران را در خصوص تعیین سوم شهریورماه، به عنوان روز فعال محیط زیست کوردستان به نشانه یادبود و همگام ادای احترام به شهیدانی که در نتیجه آتش گرفتن جنگل‌های کوردستان جان خود را فدا نمودند، ارج نهاده و قابل تحسین بدانیم. اکوتوریسم به عنوان یکی از صنایع پویا و با نشاط در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دنیا مطرح است. فعالیت‌های اکوتوریستی عبارت است از آشنایی با محیط زیست طبیعی، تماشای حیوانات و پرندگان، مطالعات پوشش گیاهی و جانوری، سفر مسئولانه به مناطق بیلاقی و جنگلی، سفر به روستاها و مزارع به منظور لذت بردن از طبیعت و آشنایی با فرهنگ‌ها، بازدید از غارهای طبیعی و

اکوتوریسم پدیده‌ای است کهن، که از دیر باز در جوامع انسانی وجود داشته و به تدریج با طی مراحل تاریخی مختلف به موضوعی فنی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. بخش بسیار مهمی از فعالیت‌های جهانگردی در دنیا مبتنی بر یک گرایش قوی و تمایل خاص به بهرمند شدن از طبیعت است. چنین

ادامه‌ی صفحه‌ی ۴

کند علمی و آکادمیک تلقی می‌گردد. این نوع خشونت از پنهانی خاصی برخوردار است و از سلب آموزش زبان مادری در مراکز رسمی آموزش شروع شده و تا تمرکز دانشگاه‌های بزرگ در مناطق خاص، گسترش می‌یابد.

۶) خشونت زبانی

عبارت از گذاره، استعاره، جوک، بازی‌های زبانی و سیاست‌های رسانه‌هایی که به شیوه کاملاً سیستماتیک در بین مردم ترویج می‌شود. هدف اصلی این نوع خشونت، القاء نوعی ضد ارزش علیه هویت کوردستانی در بطن جامعه کوردستان است. اصطلاحات تند علیه کوردها، بخشی از

کوردستان باید همزمان علیه تمامی خشونت‌های فوق دست به مقابله بزند. بر اساس نوع خشونت‌های اعمال شده و عینیت رفتاری حاکمان ایران علیه کوردستان باید اظهار کرد که کوردستان در واقع "مستعمره داخلی" ایران است و مبارزات کوردستان باید بر پایه پایان استعمارگری و حق برابر می‌کند. برآیندی آن‌ها هم وجود خشونت بیشتر در جامعه کوردستان است. آنچه در پایان باید به آن اشاره کرد، موضوع فلسفه مبارزات است. مبارزات کوردستان را می‌توان در قالب مبارزات ملی_دمکراتیک ملی_دمکراتیک تعریف کرد، این مفهوم در وهله اول به معنی، تلاش مبارزاتی برای پایان همان خشونت‌های است که علیه کوردستان از طرف ایران اعمال می‌شود و در سطور فوق به آن‌ها اشاره شد. پس مبارزات در

که در واقع طرحی برای تحقق "ملت ایران" است، مسبب گسترش فقر سیستماتیک و ایجاد خشونت اقتصادی و در پی آن نوع دیگر از خشونت را ایجاد و گسترش داده است که همان خشونت اجتماعی است که نتایج آن در قالب افزایش میزان اعتیاد، طلاق، خودکشی، زورگیری نمایان می‌کند. برآیندی آن‌ها هم وجود خشونت بیشتر در جامعه کوردستان است. آنچه در پایان باید به آن اشاره کرد، موضوع فلسفه مبارزات است. مبارزات کوردستان را می‌توان در قالب مبارزات ملی_دمکراتیک ملی_دمکراتیک تعریف کرد، این مفهوم در وهله اول به معنی، تلاش مبارزاتی برای پایان همان خشونت‌های

"حق تعیین سرنوشت"، مساله بنیادین حزب دمکرات

آرش صالح

بنا داریم که این شماره به مقوله حق تعیین سرنوشت بپردازیم و به صورت تیتروار موضوعات مهم این سرفصل را، شرح نماییم.

قبل از هرچیز باید به این نکته اشاره نماییم که این مقوله از منظر حوزه‌های متفاوت علوم اجتماعی و حقوق و روابط بین‌الملل قابل بررسی می‌باشد. به عنوان مثال می‌توان این مقوله را در چارچوب علم اخلاق، فلسفه، علوم سیاسی، حقوق داخلی و تطبیقی، حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل بررسی نمود.

از منظر حزب دمکرات کوردستان ایران حق تعیین سرنوشت، حقی است که به چند شیوه قابل اعمال می‌باشد: ماندن در چارچوب یک دولت بسیط، خودمختاری و فدرالیسم و در نهایت استقلال. لذا حق هر ملتی من جمله ملت کورد است که انتخاب نماید که آیا می‌خواهد در چارچوب یک دولت بسیط و یا در یک وضعیت برابر و با شیوه‌ای توافقی در شکل یک واحد فدرال یا خودمختار بماند و یا اینکه به طور کلی سرنوشت سیاسی خود را از ایران جدا نموده و مستقل بشود.

از نقطه نظر حزب دمکرات کوردستان ایران بهترین شیوه تجلی حق تعیین سرنوشت همانا یک سیستم فدرال است. این بدین معنی است که اگر طرف مقابل ما قائل به حضور زندگی با ما در چارچوب یک کشور فدرال و مبتنی بر حقوق و تکالیف برابر باشد ملت کورد بهترین شیوه احقاق حق تعیین سرنوشت خود را در ایرانی دمکرات و فدرال می‌بیند. این شیوه نه تنها با تضمین‌های امنیتی مناسب بلکه با مشوق‌ها و انگیزه‌های اقتصادی بسیار قویی نیز که به همراه خود خواهد داشت عقلانی‌ترین انتخاب برای ملت کورد به شمار می آید.

نکته حائز اهمیت در مساله حق تعیین سرنوشت این مساله است که این حق به لحاظ ماهیت خود از دسته حقوقی می‌باشد که یک بار اجرای آن منجر به ذایل شدن آن نشده و اهلیت آن باید در حقوق داخلی ایران دمکراتیک و فدرال نهادمند شود. به عنوان مثال حق مالک خودرو در معامله کردن و فروش آزادانه خودرو حقی است که با یک بار اجرای آن دیگر امکان اجرای آن فراهم نیست اما حق زندگی به گونه‌ای است که اهلیت آن ایجاب می‌کند که دارای تداوم بوده و تداوم آن نیز با نهادهای حقوقی تضمین شود. بر همین اساس نهادهای شدن حق تعیین سرنوشت برای تداوم بهره‌گیری صاحبان این حق از آن یکی از لوازم استیفای چنین حقی

است. این بدین معناست که قانون اساسی ایران دمکراتیکی که حزب دمکرات در پی بنیان گذاشتن آن است همانا باید دربرگیرنده و اذعان‌کننده حق تعیین سرنوشت ملت کورد باشد.

پایه‌های این استدلال که قانون اساسی می‌باید این حق را نهاده‌ینه نماید به غیر از آنچه که به ماهیت خود حق که در پاراگراف پیش ذکر شد برمی‌گردند به دو موضوع حقوق اساسی و تاریخ نیز مرتبط می‌باشند. اولاً این قانون اساسی به مثابه یک قرداد اجتماعی فی مابین ملیت‌های مختلف ایران و همچنین فی مابین شهروندان این کشور فارغ از ملیت‌شان عمل می‌کند که هم ضامن حقوق جمعی آنان و بعد فرهنگی این شهروندان می‌باشد و هم ضامن حقوق فردی‌شان و حمایت‌کننده آنان در برابر دولت فدرال و دولت‌های خودمختار است. دومین اساس چنین نهادی در قانون اساسی به این واقعیت برمی‌گردد که ملت کورد خود تحت یک سری از سلسله‌های

متفاوت که آخرین آن سلسله پادشاهی اردلان می‌باشد به صورت یک نظام ملوک الطوایفی مستقل از امپراتوری پارس عمل نموده و همواره حتی در دوران "ممالک محروسه ایران" دارای استقلال بوده. لازم به ذکر است که بنابر منابع متعدد معتبری من جمله کتاب"شرفنامه"، اردلان‌ها آخرین پادشاهی مستقل کورد بودند که در زمان آن‌ها سکه خود را ضرب نموده، ارتش خود را داشته و به نام پادشاه اردلانی در مساجد خطبه خوانده می‌شده است. در قلمرو این پادشاهی، اولین تاریخنگار زن، مستوره اردلان، پرورش یافت و شهر سنج‌ج به عنوان پایتخت آن به مرکز امنی برای پیروان همه مذاهب و ادیانی تبدیل شد که از جاهای دیگر رانده شده بودند. بنابر همان منابع، قلمرو پادشاهی اردلان در قوی‌ترین مقطع آن از



کرکوک تا کرمانشان را در بر می‌گرفته است. این استقلال با حمله شاه صفی، کاملاً به شیوه غیر مشروع و در شکل یک اشغال به پایان رسید. لذا استقلال تاریخی ملت کورد از پادشاهان و سلسله‌های مختلف امپراتوری پارس و همچنین ممالک محروسه ایران یک بنیان تاریخی برای حق تعیین سرنوشت کوردها فراهم می‌ناید.

لازم به ذکر است که خود لفظ ممالک محروسه نیز موید این امر است که ایران از چندین مملکت تشکیل شده که هرکدام دارای استقلال خود بوده اما به ضرب زور و به شیوه نامشروع تحت قیمومیت امپراتوری پارس قرار گرفتند. اگر چه از اواسط دوران صفوی سلطه امپراطوری پارس بر کوردها و نظام ملوک الطوایفی‌شان آغاز شد اما حتی ادبیات سیاسی که برخاسته از این وضعیت تا پایان قاجار هم باقی مانده است. میرزا ملکم خان که از تاثیرگذارترین متفکران مدرنیته پارس می‌باشد در قانون اساسی که در کتابچه غیبیه

از منظر حزب دمکرات کوردستان ایران حق تعیین سرنوشت، حقی است که به چند شیوه قابل اعمال می‌باشد: ماندن در چارچوب یک دولت بسیط، خودمختاری و فدرالیسم و در نهایت استقلال.

یا دفتر تنظیمات برای ایران پیشنهاد می‌دهد بارها از واژه ممالک استفاده کرده و مفاد این قانون پیشنهادی را وسیله‌ای برای مشروعیت بخشی به این اشغال قرار می‌دهد که از زمان شاه صفی آغاز شده است.

اما پر واضح است که موفقیت ملت کورد در استیفای حقوق خود به صورتی که همزمان بتواند در چارچوب یک ایران فدرال باقی بماند تا حد بسیار زیادی به طرف مقابل یعنی ملت فارس که همان ملت فرادست در ایران است بستگی دارد چرا که این شیوه مبتنی بر توافقی دو طرفه است. لذا در شرایطی که طرف مقابل حاضر به قبول چنین شرایطی نباشد ملت کورد ناگزیر به اتخاذ برنامه استقلال و جداکردن راه خود خواهد بود. زایوه دیگری که می‌توان از دریچه آن به برخی سوالات در زمینه حق تعیین سرنوشت

آیا کبک محق است و یا خیر و دوما اگر محق است دولت کانادا باید به استناد به کدام قوانین این رفتارندوم را برگزار نماید. نمونه این مساله در حقوق داخلی، تفاوتی است که بین قانون اساسی و قانون مدنی یا قوانین عادی دیگر وجود دارد. از منظر قوانین اساسی، مردم حق انتخاب ریاست‌جمهوری خود را دارند، اما شیوه و نوع اجرای این حق به قوانین انتخاباتی ارجاع داده میشود. نبودن یک قانون انتخاباتی به این معنی نیست که دیگر این حق ساقط می‌شود بلکه بلعکس دولت لذا حقوق بین‌الملل ضمن به

پاسخ داد، حقوق بین‌الملل می‌باشد. اگر بخواهیم بسیار تیتتر وار به مساله حق تعیین سرنوشت از زاویه حقوق بین‌الملل بپردازیم باید گفت که: اولاً" در تبیین موضع حقوق بین‌الملل موضوعه، یعنی آن دسته ازقواعد بین‌المللی که در قالب معاهدات، کنوانسیون‌ها، سازمان‌های بین‌المللی (منشورها، اساسنامه‌ها، قواعد و مصوباتشان) و غیره تدوین و به رشته تحریر در آمده‌اند و بهترین کار کارشناسی و تخصصی که تا کنون به انجام رسیده نظراتی هستند که دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه استقلال کوزوو و دادگاه عالی کانادا در خصوص استقلال یکجانبه ایالت "کبک" ارائه کرده است.

پس از اعلام استقلال یکجانبه کوزوو که طی آن کوزوو با استناد به حق تعیین سرنوشت به صورت یکجانبه از صربستان جدا شد، صربستان به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کرد که در نهایت این دیوان در رای مشورتی خود اعلام نمود که این اعلام به هیچ وجه پس از اعلام استقلال یکجانبه کوزوو که طی آن کوزوو با استناد به حق تعیین سرنوشت به صورت یکجانبه از صربستان جدا شد، صربستان به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کرد که در نهایت این دیوان در رای مشورتی خود اعلام نمود که این اعلام به هیچ وجه

سرنوشت از نظر حقوق و عرف بین‌الملل کاملاً مشروع بوده و هیچ منافاتی با حقوق بین‌الملل ندارد. البته زمانی که این حق در یک سیستم فدرال و توافقی به تبلور برسد مستلزم اراده دو طرف می‌باشد. همچنان که قیلاً اشاره شد عدم توافق و در نهات عدم اجرای یک سیستم فدرال به معنی شکست و یا نفی حق تعیین سرنوشت نیست بلکه یکی از طرفین می‌تواند به صورت یکجانبه اجرای این حق را به شیوه استقلال انجام پذیر نماید.

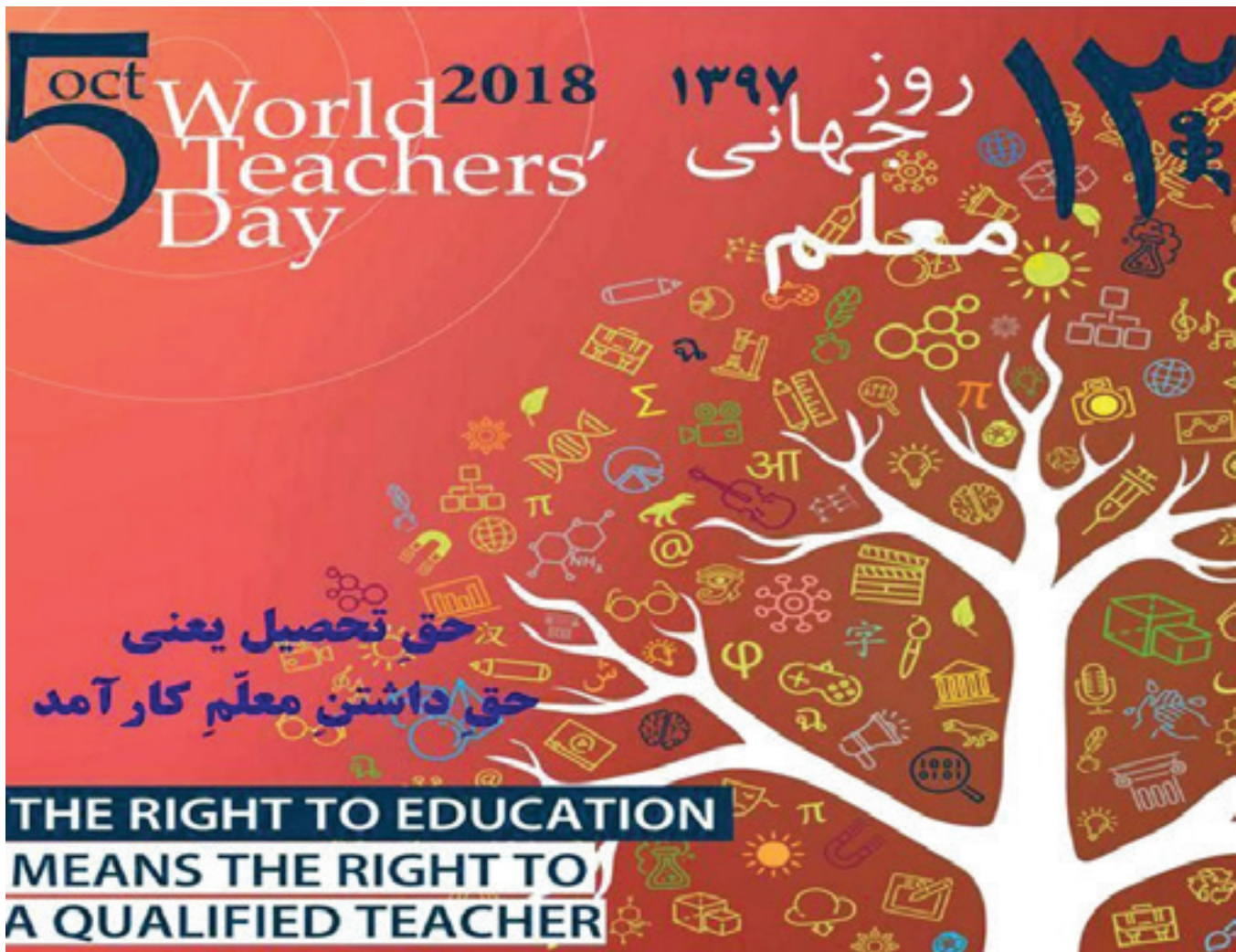
سوما" باید یادآور شد که از نظر فلسفه حقوق، حقوق بین‌الملل تنها منبع حق نیست. در واقع خواست یک ملت و علی‌الخصوص آنجا که یک ملت اراده خود را با بیش از یک قرن مبارزه بی‌وقفه نشان داده این حق امری غیرقابل انکار و محروم نشدنی می‌باشد. همچنین لازم به ذکر است که

از نقطه نظر تئوری حقوقی تاسیس یک کشور جدید که رادیکال‌ترین شیوه حق تعیین سرنوشت است به هیچ عنوان وابسته به شناسایی کشورهای موجود من جمله کشوری که کشور جدید از آن جدا شده است نیست چرا که اصولاً بسیاری از کشورهایی که اکنون در جهان وجود دارند قبل از آنکه به صورت‌های دوفاکتو یا دوزور مورد شناسایی یکدیگر واقع شوند، وجود داشته‌اند و محق نیز بوده‌اند. لذا "اعلام"، یک کشور جدید را به وجود خواهد آورد اما مشارکت در جامعه بین‌الملل مساله دیگری‌ست که عملاً دشوارتر است.

در خصوص سوالی که، انتهای این حق کجاست و تا کجا می‌توان پیش رفت و به عنوان مثال آنجا که پرسیده می‌شود که اگر تا آنجا پیش رفتیم که محله‌ها خواستار استقلال شدند چه باید کرد باید گفت که اولاً موقعی که این سوال تا آنجا پیش می‌رود که این مقوله را بی‌انتها و ترسناک جلوه می‌دهد تنها تلاشی برای بقای وضع موجود و تداوم اشغالگری و سلطه است. این رویکرد در واقع برگرفته از رویکرد موسوم به "وات ابوتسم" است که طی آن با سفسطه سعی می‌شود مساله اصلی به شیوه تردستانه پنهان شود و توجه به یک موضوع فرعی جلب شود. زمانی که یک حق موجودیت‌اش از نظر اخلاق و حقوق امری حتمی‌ست و مادامی که انسانی یا جامعه‌ای از این حق برخوردارند نمی‌توان با هیچ بهانه‌ای این حق را محدود نمود چرا که این امر عین استبداد و حکومت ترس و رد حکومت قانون است.

اما سوال آنجا حیثیت علمی و حقوقی پیدا می‌کند که هدفش پیدا نمودن معیاری برای تعریف مفهوم مردمان یا *peoples* می‌باشد. در این زمینه نظریه‌پردازی‌های بسیار زیادی انجام شده اما واقعیت این است که هرگاه مجموعه‌ای از مردم در سرزمین خود یک آینده سیاسی مشترک را برای خود متصور باشند و دارای قابلیت‌های حداقلی من جمله یک سرزمین و جمعیت باشند که بخواهند آن را اداره کنند، لذا این مجموعه دارای این حق هستند که به این آرزوی خود جامه عمل ببوشنанд. پیداست که در دنیای واقعی هیچگاه شهری مانند شیراز سرنوشت خود را جدای از اصفهان، تهران و مشهد نمی‌بیند. اما ایلام، سنندج، کرمانشان، مهاباد و ارومیه به گواهی نزدیک به یک قرن و نیم مبارزه و نزاع بی‌امان سرنوشت خود را بیش از هرچیز به یکدیگر گره خورده می‌بینند.

"حق آموزش با پرسنل با صلاحیت" شعار امسال روز جهانی معلم



حسن صالحزاده

فرهنگی، عقیدتی و سنتی همدیگر را ندارند و در نتیجه‌ی آموزه‌های ارتجاع‌گرایانه‌ی دستگاه آموزشی ایران تحت سلطه‌ی جمهوری اسلامی گاه و بی‌گاه دستخوش چیرگی و انزجار نسبت به یکدیگر می‌شوند. کودکان ملیت‌های ایرانی حق دسترسی تحصیل به زبان مادری ندارند، رشد و اعتلای فرهنگی آنان ممنوع و تاریخ و گذشته ملی آنان تحریف گشته است. کارشناسان آموزشی-تربیتی، معلمان دلسوز، انجمن اولیاء و سندیکاهای معلمان اجازه داشتن هیچ دخالت سازنده‌ای

به اطلاع‌رسانی و مبادلات دو سویه خبری مابین وضعیت آموزش در سیستم آموزشی کشور ایران و بخش فرهنگی آموزشی سازمان ملل (یونسکو) است، اما متأسفانه این امر مهم قربانی سلاقی مسئولین شیفته‌ی قدرت ناشایست کشور می‌شود. همانطور که مشهود است در عرصه‌ی عمل تحصیل در ایران برخلاف معاهده‌های فی مابین، نه مجانی و نه اجباری است و نه اینکه در کل کشور شرایط یکسان برای کسب این مهم مهیا شده است. برغم اینکه حدود

نوجوان محروم از تحصیل وجود دارد. به منظور نیل به تحقق تقویم آموزشی سال ۲۰۳۰، مطابق مؤسسه آماری یونسکو، جهان به رقم تقریبی ۶۹ میلیون معلم جدید در مقاطع ابتدایی و متوسطه نیاز دارد. این کمبود معین معلمان درمیان گروه‌های کودکان دختر، معلول، پناهندگان و مهاجر یا کودکان مناطق محروم و روستایی با‌معنی‌تر و آسیب‌پذیرتر است. پافشاری بر این واقعیت ضروری است که حقوق آموزشی زمانی متبلور می‌شود که معلمان در جهت کسب

از پنجم اکتبر ۱۹۹۴ میلادی به بعد، روز جهانی معلمان گرامی داشته می‌شود تا اینکه از این طریق بتوان توصیه "یونسکو" را که به امضای بهبود شرایط پرسنل آموزشی در سال ۱۹۶۶ رسید، یادآوری کرد. این توصیه معیارهای منابع مرتبط با حقوق و مسئولیت معلمان و همچنین دوره‌های آغازین آن‌ها را به منظور استخدام، شغل و شرایط آموزشی‌شان تثبیت می‌کند. با اتخاذ توسعه‌ی پایدار و اهداف خاصی که نقش کلیدی معلمان را به صورت عملی در تقویم آموزشی سال

نگاهی دیگر به رخدادهای اهواز



عبدالله رسولی

باید نگاه متفاوتی به رویدادی که مدتی قبل در شهر اهواز و در موقع رژه نیروهای سپاه پاسداران رخ داد، داشت و از منظری دیگر این موضوع را مورد تحلیل قرار داد. رویدادی که طی آن اکثر ناظرین نتوانستند سخنی از جوهر واقعی رخداد مذکور بر زبان آورند.

در واقع جوهر این رخداد را باید در موشکافی مفهوم "ترور و تروریسم" کشف نمود. این امری اثبات شده و غیرقابل انکار است که جمهوری اسلامی ایران منبع و سرچشمه ترور و تروریسم است. از همین دیدگاه هم وقتی نگاهی به تاریخ ترور می‌اندازیم، می‌بینیم که پدیده ترور در سطح جهانی سه مرحله متفاوت داشته یا خود به سه نوع کارکرد، تقسیم شده است.

اولین نوع ترور در جهان، تروری است کلاسیک که انجام دهنده، هدف و وسیله مشخص هستند. این نوع ترور بیشتر قبل از یازده سپتامبر انجام می‌شد. نمونه مشخص این ترور هم، تروری است که در اتریش انجام شد و باعث جنگ جهانی شد. دومین نوع ترور در سطح جهانی، تروری است که بعد از یازده سپتامبر باب گردید. در این نوع ترور انجام دهنده، مشخص است اما هدف و وسیله مشخص نیستند. بدین معنا که تروریست همه مردم را هدف عمل تروریستی خود قرار می‌دهد و از هر وسیله ممکن استفاده می‌کند. اگر در نوع اول بیشتر امنیت سیاسی و اشخاص سیاسی هدف قرار می‌گرفت در نوع دوم، امنیت اجتماعی مورد هدف قرار می‌گیرد.

نوع سوم ترور در سطح جهانی، ترور ابزاری است. این نوع ترور ابزاری‌ست در دست حکومت‌ها تا در مقاطع مختلف، اهداف مشخصی را دنبال کنند. در این نوع از ترور، دستگاه‌ها و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی به ایجاد و اشاعه وحشت و هراس در جامعه دست می‌زنند تا بتوانند به سهولت مردم و جریان‌های اعتراضی را سرکوب کنند. خصوصیت اصلی این نوع ترور این است که خود سیستم سیاسی مدیریت آن را بر عهده دارد.

با نگاهی به بحث بالا و چگونگی و اهداف انواع ترور می‌توان گفت، رخدادی که در اهواز روی داد از نوع سوم ترور می‌باشد. آنچه‌که واضح است اکثر گروه‌های سیاسی و کشورهای دمکراتیک، ایران را یک کشور تروریستی می‌دانند. در واقع آن‌ها با در نظر داشتن اعمال حکومت ایران و با مدارک مستند و با اشاره به ترور فعالین سیاسی ایران در خارج و نقش ایران در کشورهای دیگر و رشد ترور در این کشورها، چنین دیدی را نسبت به ایران دارند.

پس می‌توان گفت که با در نظر گرفتن دیدگاه کشورها و گروه‌های سیاسی درباره ایران و شرح انواع تروری که در فوق آمد، می‌توان گفت که تروری که در ایران رخ می‌دهد، تروری ابزاری‌ست برای رسیدن به اهداف مشخص که سیستمی سیاسی و امنیتی این کشور به آن نیاز دارد.

با در نظر گرفتن عکس‌ها و گفته‌ها و خبرهایی که درباره رخداد اهواز در دست است، می‌توان گفت این رخداد در قالب تروری نیست که گروهی سیاسی بتواند از آن بهره‌برداری سیاسی یا اجتماعی بکند بلکه در قالب ترور ابزاری‌ست که حکومت ایران برای بازداشت فله‌ای فعالین سیاسی و به حاشیه راندن گروه‌های سیاسی اهواز و همزمان جهت دهی به افکار عمومی داخل و خارج ایران، از آن بهره برده است.

باید اذعان کرد که به دلیل تروریست بودن جمهوری اسلامی، ترور ابزاری مورد استفاده از سوی این رژیم با ترورهای ابزاری که در کشورهای دیگر روی می‌دهد، تفاوت اساسی دارد. تفاوتی که در این نوع ترور ابزاری درباره ایران وجود دارد این است که، تروریست خودزنی می‌کند.

خودزنی تروریست بدین معناست که حکومت تروریستی ایران برای رسیدن به اهدافش خود را هدف فعالیت تروریستی خود می‌کند. در اینجا چیزی مبهم می‌ماند و این ابهام هم اکثر ناظرین سیاسی را به انحراف کشید. این ابهام این است که تروریست و قربانی ترور یکی است. بدین دلیل هم می‌توان گفت رخداد اهواز خودزنی تروریستی بود.

اعلامیه‌ی حقوق بشر، آموزش و پرورش را به مثابه‌ی یک حق بنیادی و کلیدی بازخوانی می‌کند، اما نباید از این ملاحظه غافل ماند که این حق بدون وجود معلمان با صلاحیت قابل تحقق نیست.

در فرایند آموزش و پرورش ندارند. اغلب فعالان صنفی در زندان به سر می‌برند یا اینکه پرونده‌ی مفتوح دارند ما امروز در حالی روز جهانی معلمان را گرامی می‌داریم که سنگینی سیستم ارتجاعی حاکم در تمام زمینه‌ها حس می‌شود. دستگاه حکومتی با بی‌تدبیری عمدی کلیه راه‌های منتهی به شکوفایی آرمان‌های این روز فرخنده را که عبارت از "حق آموزش و داشتن پرسنل با کیفیت" می‌باشد، مسدود کرده است. لذا در نیل به خواسته‌های برحق صنفی معلمان و بهره‌مند شدن از آموزش درخور و شایسته‌ی امروزی، راهی جز تغییر اوضاع در ایران وجود ندارد و این هم بدون مشارکت معلمان و اولیای دانش‌آموزان در سراسر کشور قابل تحقق نیست.

بیست میلیون کودک و نوجوان در ایران جود دارد اما آمار تعداد دانش‌آموزان در کشور نزدیک به ۱۳ میلیون است و این اختلاف نشان می‌دهد که قریب به ۷ میلیون کودک برخلاف شعار روز جهانی معلمان از حق دسترسی به تحصیل بازمانده‌اند. حکومت نسبت به استخدام پرسنل آموزشی دیدگاه امنیتی دارد و در گزینش معلمان توجه آنجنانی به داشتن صلاحیت شغلی ندارد.

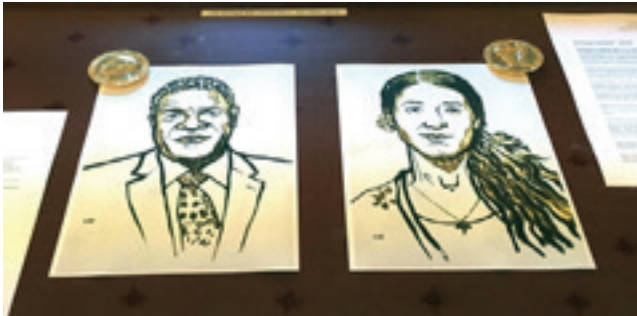
کشور ایران که به عنوان یک سرزمین "چند ملیتی" شناخته شده است، در سایه‌ی برنامه‌های آموزشی و تربیتی نادرست و منسوخ زمینه‌ای مساعد برای تفاهم چندگانه مابین مردمان‌اش تأمین نشده است. به عنوان مثال مردم کورد، بلوچ و عرب در ایران درک متقابل از ویژگی‌های

صلاحیت شغلی از آموزش‌های لازم بهره کافی را برده باشند. بزرگداشت روز جهانی معلمان با مشارکت صندوق کودکان ملل متحد UNICEF، برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد یا UNDP و بخش کار و آموزش سازمان ملل، سازمان یونسکو دارای نمایندگی ۱۹۵ کشور، همچون عضو می‌باشد. اعضاء از طریق سفارت مربوطه خود می‌باید فعالیت‌های سازمان را به کشور خویش منعکس کنند. آنچه در اینجا قابل ذکر است، عضویت ایران در یونسکو و حضور نماینده‌ی دائمی جمهوری اسلامی است. حضوری که تنها جنبه فریبکاری و ریاکارانه دارد. اگرچه وزارت آموزش و پرورش ایران ظاهراً حضور فعال دارد و مطابق آیین‌نامه‌های موجود مکلف

۲۰۳۰ به رسمیت می‌شناسد، گرامیداشت روز جهانی معلمان فرصتی برای پیشرفت و تفکر ارتقای شغلی آموزشی است.

استقبال روز جهانی معلمان در سال ۲۰۱۸، فرصتی است که در آن جامعه بین‌الملل بر "حق آموزش و داشتن پرسنل با کیفیت" تأکید می‌کند. این موضوع به منظور ارج نهادن به هفتادمین سالگرد اعلامیه‌ی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ برجسته شده است. بیانیهای که آموزش و پرورش را به مثابه‌ی یک حق بنیادی و کلیدی بازخوانی می‌کند، اما نباید از این ملاحظه غافل ماند که این حق بدون وجود معلمان با صلاحیت قابل تحقق نیست. یکی از موانع اساسی ممارست حق آموزش، کمبود معلمان در سرتاسر جهان است. در جهان حدود ۲۶۴ میلیون کودک و

جایزه صلح نوبل ۲۰۱۸ به نادیا مراد و دنیس موکویگی رسید



نادیا مراد، دختر کورد ایزدی دفاع از قربانیان خشونت و دنیس موکویگی، پزشک جنسی در جنگ اختصاص داده اهل جمهوری دمکراتیک کنگو و نادیا مراد خود شاهد این نوع به‌طور مشترک جایزه صلح خشونت بوده و از خشونت و نوبل ۲۰۱۸ را دریافت کردند. آزاری گفته که بر او و زنان دیگر جایزه صلح نوبل ۲۰۱۸ به به دست داعش انجام گرفته نادیا مراد، دختر کورد ایزدی است. سال ۹۵ نیز، شورای و دنیس موکویگی، پزشک اهل اروپا جایزه حقوق بشری جمهوری دمکراتیک کنگو تعلق واسلاو هاول را به نادیا مراد گرفت. آکادمی نوبل دلیل اهدای اهدا کرد. نادیا مراد ۲۵ ساله جایزه صلح نوبل به نادیا مراد و از اواسط تابستان ۹۳ و برای دنیس موکویگی را "تلاش‌های مدت بیش از سه ماه به عنوان آنها برای پایان دادن به برده‌ی جنسی داعش در اسارت استفاده از خشونت جنسی به این گروه تروریستی بوده است. عنوان سلاح در جنگ‌ها و او شش برادرش را در یورش درگیری‌ها" اعلام کرده است. شبه‌نظامیان داعش به روستای آکادمی نوبل می‌گوید: "دنیس" "کوچو"، محل زادگاهش، در موکویگی زندگی خود را به حومه شهر شنگال از دست داد.

بازداشت سه شهروند کورد در سندج و ایلام

روز شنبه هفتم مهرماه، نیروهای توسط نیروهای اطلاعاتی لباس شخصی وابسته به اداره بازداشت و به مکان نامعلومی اطلاعات سندج به منزل انتقال یافته است. یک منبع شخصی دو شهروند کورد به آگاه اعلام کرد: این شهروند نام‌های "فواد و آزاد امجدی" ایلامی که عضو سازمان بسیج در شهرک نساجی یورش برده و این دو برادر را بازداشت کرده‌اند. یکی از احزاب کورد اپوزیسیون به گفته یک منبع آگاه، نیروهای حکومت ایران" از سوی لباس شخصی بدون ارائه برگه تیروهای اطلاعاتی بازداشت قضایی اقدام به تفتیش منزل این شده است. پس از اعتصاب دو شهروند کورد کرده و سپس عمومی مردم کوردستان، آنان را بازداشت کرده‌اند. این بازداشت و احضار شهروندان منبع افزود: بازداشت این دو کورد روند صعودی داشته و در این مدت ده‌ها شهروند کورد اعتصاب کامیون‌داران می‌باشد. توسط ادارات اطلاعات در از دیگر سو نیز، روز یکشنبه کوردستان احضار یا بازداشت هشتم مهرماه، یک شهروند ایلامی به نام "احمد شاهد"

احضار یک هنرمند پیکر تراش به اطلاعات مریوان



یک هنرمند پیکر تراش اهل مریوان به اداره اطلاعات این شهرستان احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. روز یکشنبه هشتم مهرماه، یک هنرمند پیکر تراش به نام "عدنان قادری" اهل روستای "پنگیچه" به اداره اطلاعات مریوان احضار شد. دلیل احضار این هنرمند پیکر تراش ساخت پیکر شریف باجور اعلام شده است. این هنرمند کورد پس از چند ساعت بازجویی آزاد شده است. چند روز پیش، این هنرمند پیکر تراش به‌همراه آرام بامداد اهل روستای "نی" برای ارج نهادن به فعالیت‌های شریف باجور در زمینه حفاظت

عفو بین‌الملل:

مقامات ایرانی با اعدام زینب سکانوند نشان دادند که هیچ احترامی برای حق حیات نوجوانان قائل نیستند



سن ۱۵ سالگی، بارها به پلیس در رابطه با رفتار خشونت‌آمیز همسرش مراجعه کرده و درخواست کمک و حمایت کرده بود. او همچنین مدعی شده بود که برادر همسرش چندین بار به او تجاوز کرده است. متأسفانه اما مقامات این شکایات را نادیده گرفتند، تحقیقی در خصوص آنها انجام ندادند و قدمی برای حمایت از او به عنوان یک دختر نوجوان قربانی خشونت خانگی و جنسی برنداشتند. مدیر تحقیقات شمال آفریقا و خاورمیانه عفو بین‌الملل افزود: "به نظر می‌رسد مقامات ایرانی بیش از پیش دارند برنامه اعدام

سازمان عفو بین‌الملل اعدام زینب سکانوند را "بی‌اعتنایی مقامات ایران به اصول دادرسی نوجوانان و قوانین بین‌المللی حقوق بشری" دانست. روز سه‌شنبه دهم مهرماه، زینب سکانوند، زندانی ۲۴ ساله کورد در زندان ارومیه اعدام شد. فیلیپ لوتر مدیر تحقیقات شمال آفریقا و خاورمیانه عفو بین‌الملل در واکنش به این خبر اعلام کرده است: "با اعدام زینب سکانوند، مقامات ایرانی بی‌اعتنایی خود به اصول دادرسی نوجوانان و قوانین بین‌المللی حقوق بشری را به طرز انزجارآمیزی به نمایش گذاشته‌اند. زینب در زمان وقوع جرم تنها ۱۷ سال سن داشت. مقامات ایرانی با اعدام او نشان داده‌اند که هیچ احترامی برای حق حیات نوجوانان قائل نیستند. اجرای حکم اعدام او اسفناک‌تر نیز می‌شود وقتی ناعادلانه بودن روند دادرسی که منتهی به صدور حکم اعدام شده بود، را در نظر بگیریم." فیلیپ لوتر می‌گوید: "زینب گفته بود که پس از ازدواج در

شلیک نظامیان حکومتی

جان یک کولبر کورد را در مرز نوسود گرفت



است. این گروه از کولبران در مکانی به نام "سوره هلاله" هدف شلیک مستقیم نظامیان

نوسود از توابع شهرستان پاوه در پی شلیک نظامیان حکومتی جان خود را از دست داد.

امروز چهارشنبه یازدهم مهرماه، نظامیان حکومتی گروهی از کولبران کورد را در مرز نوسود به رگبار بسته‌اند که در پی آن یک کولبر کورد به نام "عظیم احمدی" ۴۲ ساله فرزند نورالدین اهل روستای "تشار" نوسود جانش را از دست داده

پوشش خبر جان باختن یک کولبر کورد، احضار دو فعال تلگرامی را در پی داشت



پوسس حبر جان بحن یب کولبر کورد به نام عظیم احمدی که در حین کولبری بر اثر شلیک مستقیم نظامیان جانش را از دست داده بود، به اداره اطلاعات پاوه احضار شده‌اند. این منبع آگاه افزود: نیروهای اطلاعاتی مدیران کانال "سلام

اداره اطلاعات پاوه مدیران دو کانال تلگرامی را احضار و مورد بازجویی قرار داد.

روز پنج‌شنبه دوازدهم مهرماه، "فرهاد صالحی" مدیر کانال "سلام پاوه" و "مظفر ولدبیگی" مدیر کانال دهنکی نوریار" به اداره اطلاعات شهرستان پاوه احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند.

به گفته یک منبع آگاه، مدیران این دو کانال تلگرامی به دلیل

اطلاعات دو شهروند اشنویه‌ای را بازداشت کرد

بازداشت کرده‌اند. به گفته یک منبع آگاه، این شهروند کورد به اتهام "همکاری با یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران" بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. از دیگر سو نیز در همان روز، نیروهای اطلاعاتی وابسته به

نیروهای اطلاعاتی دو شهروند کورد اهل اشنویه را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. روز پنج‌شنبه دوازدهم مهرماه، نیروهای اطلاعاتی به منزل شخصی یک شهروند کورد به نام "عثمان زیره" اهل "تاچین‌آباد" اشنویه یورش برده و پس از تفتیش منزل شخصی او را

اداره اطلاعات اشنویه در منطقه "دشت بیل" یک شهروند کورد به نام "رزگار معروف" ۲۶ ساله فرزند احمد را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. نیروهای اطلاعاتی این شهروند کورد را بدون ارائه برگه قضایی بازداشت و به خانواده وی اعلام کردند که اتهام او "همکاری با

یکی از احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران" می‌باشد. رزگار معروف دانشجوی رشته معماری در دانشگاه ارومیه می‌باشد و سال ۹۴ نیز پس از انتشار یک مجله‌ی دانشجویی به اداره اطلاعات ارومیه احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود.